

مهدی یک‌پسر، طراح و فعال هنری:

تولیدات هنرمندان درباره جنگ وشهادت رهبرمان باید مستمر باشد



ریحانه موسوی این روزها افراد مختلف در هر جایگاهی که هستند در حال ادای دین به رهبر شهید انقلاب و نیروهای مسلح کشورند. برخی هنرمندان از همان روزها و ساعات ابتدایی آغاز جنگ تحمیلی آمریکایی صهیونی علیه ایران، شروع به هم افزایی و خلق اثر کرده‌اند و در جبهه فرهنگی و هنری مشغول کار هستند. در این زمینه با مهدی یک پسر طراح و فعال هنری شهرمان، گفت وگو کرده ایم که در ادامه پیش روی شماست.

● بیداری و سلحشوری؛ وجه مشترک هنرمندان طراح و فعال هنری کشورمان با اشاره به سخت بودن باورپذیری شهادت رهبر معظم انقلاب گفت: همان ابتدا به همراه دوستانی که در این سال ها با یکدیگر همکاری داریم، جمع شدیم. آنچه احساس کردم بین همه آن ها وجود دارد، آگاهی از این موضوع بود که اکنون زمان بیداری و سلحشوری است و وقت در بهت فرو رفتن نیست. این مسئله، بلوغ انقلاب اسلامی را نشان می دهد، یعنی سختی ها در این سال ها، انسان ها را به گونه ای تربیت کرده که

گفت وگو با محمد دلاوری، مجری تلویزیون، به بهانه حضورش در مشهد و ضبط برنامه تلویزیونی «از تو»

شور مشهد برای انجام کارهای بزرگ، انرژی بخش است

به این گونه برنامه ها، این است که به لحاظ اقتصادی، تولید آن ها پیچیدگی زیادی ندارد. اما همین سادگی گاهی خطرناک می شود. چون برنامه راحت است، درباره آن سهل انگاری می شود، هم تعداد گفت وگوها زیاد می شود و هم کیفیت برخی از آن ها کاهش می یابد. مجری با سابقه تلویزیون، خروج از کلیشه را یکی از چالش های اصلی برنامه های گفت وگو محور می داند، به گفته او، یکی از معضلات ما در جذب مخاطب، کلیشه ای شدن است. برنامه «از تو» تلاش کرده است از کلیشه فاصله بگیرد، مثلا با اضافه کردن روایت داستان گونه به ساختار، گفت وگو شکل دهد.

او تأکید می کند، جذابیت فقط در محتوا خلاصه نمی شود، فرم، طراحی استودیو، نور، صدا، نحوه ورود به گفت وگو با میهمان، ادامه دادن بحث و حتی حضور تماشاگر، همه این ها می توانند به جان دارتر شدن هسته اصلی برنامه کمک کنند.

● انتخاب موضوع؛ مهم تر از «روز بودن»، زنده بودن است دلاوری در پاسخ به این پرسش که یک برنامه گفت وگو محور چه مؤلفه هایی باید داشته باشد، می گوید، موضوع روز یا غیروز بودن، اهمیت اصلی نیست. شما می توانید درباره یک واقعه تاریخی گفت وگو کنید، اما گفت وگویی زنده و واقعی، ضعف برخی برنامه هادر عدم ارتباط درونی مجری و میهمان با موضوع است. گاهی پرسشگر، خودش با موضوع ارتباط نگرفته است و سؤال درونی ندارد. کسی هم که پاسخ می دهد، جوشش درونی ندارد. هرچه پرسش و پاسخ، درونی تر و صادقانه تر باشد، گفت وگو شاداب تر می شود و مخاطب را بیشتر درگیر می کند.

● نقش کلیدی مجری در برنامه های گفت وگو محور محمد دلاوری نقش مجری را «اصلی ترین نقش» در این قالب می داند و می گوید، مجری باید با موضوع، ارتباط قوی برقرار کرده باشد. پرسش کردن نباید بازی باشد؛ باید از علاقه بیاید. این طور نباشد که سؤالات از قبل آماده شده را از روی کاغذ بخواند. این مجری اضافه می کند؛ مجری باید وارد جهان میهمان شود. وقتی دریچه های تازه ای باز می شود، متوجه آن ها باشد و دغدغه اش فقط پرسیدن سؤال بعدی نباشد. در این حالت، مخاطب هم پشت سر مجری، وارد جهان میهمان می شود و گفت وگویی گرم شکل می گیرد.

این وابستگی ها را نشان ندهند، در باطن به لحاظ یک مسیر طولانی و تاریخی، درگیر این موضوعات هستند. باید بروی مشترکات خود کار کنیم و این روزها بر نقطه های افتراق تمرکز نکنیم. مشی شهید خامنه ای نیز همین بود و بارها در سخنان خود فرموده بودند که من، همه شما بچه ها را دوست دارم.

● کم کاری در آموزش؛ باعث انحراف فکری جوانان این فعال فرهنگی کم کاری در آموزش را موجب انحراف فکری برخی جوانان و نوجوانان نسل جدید دانست و بر پرداختن به همه ابعاد شخصیتی رهبر شهید مان تأکید کرد. این هنرمند در این خصوص گفت، در یک سوی شخصیت این شهید بزرگوار، علم، تقوا و جایگاه فقاقت و در بعد دیگر شعر، ادب و هنرشناسی ایشان است. انسان ها وقتی با چنین افرادی که در تمام حوزه ها توانمند هستند روبه رو می شوند، ناخودآگاه در مقابل آن فرد احساس خضوع می کنند، بنابراین باید به طور متوازن به شخصیت های مختلف حضرت آقا پرداخته شود. ابعاد ناگفته زیادی از زندگی ایشان وجود دارد که شاید کسانی که اهل تحقیق هستند، بیشتر بدانند.

● مردم به تولیدات تأثیرگذار هنری توجه دارند یک پسر افزود، به دلیل ماهیت باطنی هنر، باید خود را به معارف نزدیک و از پلیدی ها دور کنیم. قلمی که خود را تطهیر کند، صاحب تأثیر می شود. در تاریخ هم هنرمندانی که اخلاص بالایی داشتند، کار را به نحوی انجام دادند که صرفا نگاه دنیوی و مادی نداشتند. البته من مخالف این موضوع نیستم و آثار هنری محل درآمد هنرمندان است، اما نیت فرق دارد.

وی ادامه داد؛ هنرمندان باید احساس کنند در شرایط حساس مانند سایر افراد جامعه همچون نیروهای مسلح، آتش نشانان، پرستاران و... هستند، بیان هنری آن ها نیز با اقتضائات و شرایط جامعه، خود را نشان خواهد داد.

یک پسر در پایان ابراز کرد؛ کسانی که هنوز احساس تردید دارند، باید بدانند که این جنگ یک جنگ وجودی است. باید فارغ از همه حرف ها و دلخوری های موجود در جامعه، آن راد رک کنیم و بدانیم که اگر در این شرایط میدان را خالی کنیم، آنچه اتفاق خواهد افتاد، به نفع هیچ کس نخواهد بود. جامعه هنری هم می تواند در این موضوع سهم بسزایی داشته باشد؛ زیرا مردم به آثاری که تولید می شود، توجه دارند.

شهرداری تا نهاد های دیگر، علاقه مندند که اتفاقی بیفتد و این برای من انرژی بخش است. شاید گرم شدن فضای تولید در این شهر کمی زمان ببرد، اما عطش و علاقه برای کار در اینجا بیشتر است و همین باعث می شود افراد با انگیزه بیشتری تلاش کنند.

● کار جهادی و خروج از دایره منفعت فردی دلاوری با اشاره به برنامه گفت وگو محور «از تو» که فعالان اجتماعی را در محور برنامه قرار داده است، با تحسین ساخت این دسته برنامه ها می گوید؛ من از قدیم به کار جهادی علاقه داشتم؛ آدم هایی که از دایره محدود منفعت فردی بیرون می آیند و وارد دایره بزرگ تری به نام منفعت اجتماعی می شوند، زندگی زیبایی پیدا می کنند. گاهی می بینم یک کارمند ساده در وقت آزادش، کاری شگفت انگیز انجام داده است که واقعا باورکردنی نیست. همین ها باعث شده است من به این فضا علاقه مند شوم و خوشحال باشم که مجری این برنامه هستم.

این مجری ملی درباره یکی از روایات های تأثیرگذار برنامه بیان می کند؛ یکی از میهمان هادر سیل پل دختر، ۹۰روز در منطقه ماند و با کمک ۹۵۰نفر، باغ انجیر بزرگی را که معیشت مردم آن منطقه بود و زیر گل مدفون شده بود، احیا کرد. من آرزو کردم کاش می توانستم چنین فداکاری ای کنم. در این برنامه من بیشتر شنونده ام تا پرسشگر؛ با ولع گوش می کنم و لذت می برم. او پیام اصلی برنامه را چنین توصیف می کند؛ منتظر نباشیم فقط ایران برای ما کار کند؛ ما هم باید برای کشورمان کاری انجام دهیم. اگر برای دیگران قدمی برداریم، آتارش به طور معجزه آسایی به زندگی خودمان بازمی گردد. وقتی از خودمان عبور کنیم و دل به دل دیگران بدهیم، زندگی رنگ و لعاب تازه ای پیدا می کند.

● خوشحالم که در این مسیر قرار گرفتم دلاوری تأکید می کند؛ کمتر پیش آمده است درباره برنامه ای این طور صحبت کنم، اما واقعا خوشحالم. احساس می کنم خوش شانس بوده ام که در این فضا قرار گرفته ام و امیدوارم بتوانم کمک کوچکی به گسترش این فرهنگ بکنم.

● داغ خانواده های میناب، داغ همه ماست صادقی همچنین در واکنش به شهادت دانش آموزان مدرسه شجره طیبه میناب، با انتشار تصویری از مزار آنان در فضای مجازی نوشت: «من با افتخار ایرانی، جنوبی و مینابی ام. دل من برای دختران معصوم شهرم می تپد. برای میناب... کودکانی که باید آینده این خاک را می ساختند. اما بی گناه قربانی شدند. به همه همشهریان عزیزم، خانواده های داغدار میناب، تسلیت می گویم؛ بدانید که در غم شما شریکم و این داغ، داغ همه ماست. رضا صادقی، فرزند ایران، خاک جنوب».

هنرهای مهمی چون هنرهای متنوع تجسمی با ایفای نقش در این مبارزه، توانسته اند ترور و ستم را به یک متن انسانی تبدیل کنند. این تبدیل، نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان، شنیده و باعث بیدارسازی جهانی از جنایات آمریکایی و رژیم صهیونیستی می شود. گرافیک و هنر عکاسی امروز وظیفه ای ویژه در این زمینه دارند. از دیگر سویی با توجه به زیست انسان معاصر در عصر دیجیتال، هنر ما باید با بهره بردن از همه ظرفیت های این فضا همچون شبکه های اجتماعی، پلتفرم های بین المللی و انتشار رفتارها به سراسر جهان نفوذ کند. آثار هنری که برای انتشار در فضای مجازی طراحی می شوند، می توانند به سرعت به گوش جهانیان برسند و تأثیر بسیاری در ایجاد آگاهی جهانی ایجاد کنند. همچنین امروز هنرمند ما وظیفه دارد با دیگر هنرمندان جهان وارد گفت وگو شود و ضمن آگاهی بخشی به آن ها، مسیر ترویج هنر مقاومت و آگاهی بخش را فراهم آورد. عواملی همچون نیاز جامعه امروز در فضای داخلی، تشنگی جهانی برای آگاه شدن، همه بی پرده و آشکار جریان امپریالیسم جهانی از یک سو و کارکرد عاطفی، غیرمستقیم، جذاب و روزآمد هنر، سنگین ترین وظیفه تاریخی را بر دوش هنرمندان ایرانی قرار داده است، وظیفه ای که لحظه ای غفلت از آن، اشتباهی راهبردی است.

● مخاطب امروز دنبال چه چیزی است؟ به باور دلاوری، مخاطب امروز درگیری ذهنی می خواهد؛ مخاطب می پرسد چرا باید این گفت وگو را ببینم؟ چه اثری در زندگی من دارد؟ این داستان چه ربطی به من دارد؟ اگر مخاطب بتواند با میهمان و مجری ارتباط برقرار کند، یک مثلث شکل می گیرد؛ انگار مادر یک جمع نشستیم و داریم با هم یک تجربه را مرور می کنیم. اگر این درگیری ایجاد نشود، برنامه اثرگذاری اجتماعی و فرهنگی نخواهد داشت. او در پاسخ به این سؤال که آیا گفت وگو می تواند تصمیم سازی اجتماعی ایجاد کند، بیان می کند؛ اگر انتظار داشته باشیم امروز گفت وگویی انجام شود و فردا یک معضل حل شود، این خیلی کم اتفاق می افتد. اما گفت وگو می تواند مطالبات را افزایش بدهد و ذهن بیننده را درگیر کند. وی با اشاره به تغییرات تدریجی فرهنگی در جامعه بیان می کند؛ گاهی یک جمله از یک گفت وگو در ذهن یک نوجوان می نشیند و شاید ۱۰سال بعد، آن نوجوان بر اساس همان جمله تصمیمی بگیرد. مهم ترین کار گفت وگو، ایجاد تغییرات درونی و فرهنگی است؛ تغییراتی که اغلب دیده نمی شوند، اما عمیق اند.

● تجربه شخصی؛ از «صرفا جهت اطلاع» تا امروز دلاوری با اشاره به برنامه «صرفا جهت اطلاع» که مجری آن بوده است، می گوید؛ اولین قسمتی که از این برنامه پخش شد، مردم در آن زمان تعجب کرده بودند. امروز اگر همان قسمت را ببینند، تعجب می کنند که چرا آن زمان تعجب کرده بودند؛ چون در طول یک دهه، فرهنگ سیاسی ما تغییر کرده است و ما متوجه این تغییرات تدریجی نمی شویم.

● مشهد؛ یک کلان شهر قدرتمند با استعدادهای فوق العاده او درباره ضبط برنامه در مشهد می گوید؛ مشهد یک کلان شهر قدرتمند با استعداد های فوق العاده است. ویژگی مهمش این است که اشتیاق به انجام کارهای بزرگ در آن خیلی زیاد است. این شور یک فرصت مهم است؛ در بعضی شهرها، به دلیل وفور امکانات، آدم ها دچار عادت می شوند. اما اینجا شور و شوق موج می زند. گروه های مختلف، از

آهنگ جدید رضا صدقی به نام «وطن» منتشر شد

دلَم برای دختران معصوم شهرم میناب می تپد

● سر به راه مملکت، باید نهاد رضا صدقی در توضیح این اثر نوشت: «فارغ از هر مرده باد و زنده باد/ سر به راه مملکت باید نهاد. پای خون هم وطنم و پای خاک وطنم بودم، هستم. تکلیف من باوطنم روشن است. من همین جامی مانم؛ در شهر

آرتمیس دریا سالار ایرانی (نخستین زن یونانی دریا سالار در جهان که در سپاه ایران در دوران هخامنشیان حضور داشت) را به نمایش گذاشته است.



در زمانه ای زیست می کنیم که تفکر نئولیبرالیسم به عنوان پشتوانه اندیشه ای و فرهنگی نظام سرمایه داری تمام گوش خویشتن را بر اندازی کردن انسان قرار داده است؛ تفکری که بر این باور است تمدنی ساخته و پرداخته است که تنها اندکی را شایسته برخورداری از سرمایه می داند و کلیت جامعه انسانی را برده و تأمین کننده زنجیره سرمایه فرض می گیرد. در این نگاه منحنط، انسان تنها مصرف کننده ای مادی و هویت او کالایی شدن است و برتری یکی بر دیگری بر میزان سرمایه اوست. حاصل این نگاه، جزیره مشهور اسپتین است. یگانه اندیشه تمدنی مقابل این جریان، تفکری است که ایران اسلامی به جهان عرضه کرده است. این تقابل اندیشه ای که ماهیت نظام سرمایه داری را به خطر انداخته، پایه و اساس دشمنی و جنایات آن هاست. اکنون که این نظام سرمایه داری به صورت نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیکی از طریق ابزارهای سیاسی، رسانه ای و فناوری به دنبال تحمیل قدرت است، هنر به یکی از قدرتمندترین ابزارهای مقاومت فرهنگی تبدیل شده است. اکنون که این دشمنی بی پرده و آشکارا خود را نشان داده و در هجوم و تجاوز آمریکای منحوس و رژیم جعلی صهیونیستی به ایران عزیز خود را نشان داده است، هنر نه تنها یک ابزار برای بیان احساسات، بلکه یک سلاح

هنر، سلاح فرهنگی در مبارزه با استکبار جهانی

طریق هنر، به شکلی احساسی و گسترده اما در بنیادی عقلانی به نمایش گذاشته شود. در دنیایی که رسانه های غربی اغلب به عنوان ابزار تبلیغات نئولیبرالیسم عمل می کنند، هنر اسلامی و ایرانی باید یک نظام جایگزین اطلاعاتی ایجاد کند. این هنر، نه تنها قانع را نمایش می دهد، بلکه باید دیدگاهی انسانی و اخلاقی در برابر اقدامات غیرانسانی نظام سرمایه داری ارائه دهد. هنری که با مرکز بر رنج، امید و مقاومت، می تواند عنصر آگاهی بخشی شود و از تحمیل دیدگاه یک طرفه بین المللی جلوگیری کند. راهبرد اصلی هنر در میدان این جنگ تمدنی، تغییر در نگرش جهانیان است. از طریق هنرهایی که اکنون زمینه ارتباط جهانی تر را دارند و می توانند جهان را به این واقعیت آگاه کنند که جنایات آمریکایی و رژیم صهیونیستی، نه تنها برای ایران، بلکه برای تمام جهانیانی که به دنبال عدالت هستند، تهدیدی جهانی است.



مهدی یک پسر، طراح و فعال هنری

یادداشت روز